

چگونه با شایعات حسینی اخلاق در خانواده را از جامعه گرفتند!

شایعه، کاری می‌کند که یک شخصیت بدون ترور فیزیکی از مردم گرفته شود. در همین محله ما — خیابان ایران و میدان شهداء که به نوعی دارالمؤمنین تهران محسوب می‌شود — کسانی در سال‌های ۵۹ و ۶۰ شعار «مرگ بر بهشتی» سر دادند و درباره مرحوم حاج آقای موسوی حسینی هم همین‌طور است.

به گزارش کلینیک [روح درمانی](#) (تهذیب آنلاین)؛ در آستانه چهلمین روز درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین «سید علی اکبر موسوی حسینی» عالم مجاهد، روحانی متخلق و استاد مشهور برنامه «اخلاق در خانواده»، خبرگزاری فارس گفتگویی با حجت‌الاسلام «سید امیرحسین حسینی» فرزند ایشان انجام داده است.

آنچه در این مصاحبه، بسیار جالب توجه است پرداختن به شایعاتی است که علیه آن مرحوم، ساخته شد و متأسفانه در جامعه — حتی در بین متدینین(!) — رواج فراوانی یافت.

گزیده ای از روش اخلاقی آن فقید سعید در برخورد با این آسیب اجتماعی تلخ — و نیز بخش‌های آموزنده ای از سیره اخلاقی آن بزرگوار — را بخوانید:



* ترور فیزیکی، با شایعه سازی

شایعه، کاری می‌کند که یک شخصیت بدون ترور فیزیکی از مردم گرفته شود. در همین محله ما — خیابان ایران و میدان شهداء که به نوعی دارالمؤمنین تهران محسوب می‌شود — کسانی در سال‌های ۵۹ و ۶۰ شعار «مرگ بر بهشتی» سر دادند؛ اینجاست که دیگر بود و نبود آقای بهشتی با آنکه حیات دنیوی دارد یکسان است، زیرا دیگر نمی‌توان از وجود او بهره گرفت.

درباره مرحوم حاج آقای موسوی حسینی هم همین‌طور است؛ معلمی که شخصیت تأثیرگذار دارد و موعظه‌های او گیراست و برنامه‌هایش از سیما موجب کاهش آمار طلاق در جامعه می‌شود و به حفظ کیان خانواده کمک می‌کند، با شایعه‌سازی درباره زندگی شخصی‌اش تخریب می‌شود و بدون آنکه ترور فیزیکی شود، از مردم گرفته می‌شود.

* اوج وفاداری و محبت به خانواده

آنچه بیش از همه، دل ما اعضای خانواده و به‌ویژه مادرمان را سوزاند این بود که این شایعات درباره کسی رواج یافت که خود در اوج وفاداری نسبت به خانواده قرار داشت و اگر توصیه و موعظه‌ای در

برنامه اخلاق در خانواده به مردم می‌کرد، خود زودتر و بیشتر در قبال خانواده خود به کار گرفته بود.

ایشان در منزل بسیار اهل کمک به مادرمان بودند؛ من گاهی نیمه‌های شب از قم به تهران می‌رسیدم و می‌دیدم همه در حال استراحتند، اما ایشان در آشپزخانه در حال شستن ظرفها هستند. اما چرا آن زمان را برای کمک انتخاب می‌کرد؟ برای آنکه کوچک‌ترین احساس منتهی برای دیگران صورت نگیرد و حتی اجازه نمی‌دادند که من کمکشان کنم.

*** موعظه و علم، همراه عمل**

بسیار پیش آمد که ایشان ابتکار جدیدی در همدلی نشان دادن و کمک به اعضای خانواده به‌ویژه در قبال مادرمان در منزل صورت می‌دادند و پس از مدتی که خود به آن عمل می‌کردند، در برنامه اخلاق در خانواده هم به مردم توصیه می‌کردند، چون در این باره معتقد بودند که من اگر موعظه‌ای به مردم می‌کنم، پیش از آن خود باید در قبال خانواده خود، عامل به آن باشم و شاید یکی از علل تأثیر فراوان کلام ایشان برای مخاطب، همین موضوع بود.

حال برای کسی که خود در اوج وفاداری و محبت نسبت به همسر بود، چنین شایعاتی که دقیقاً مربوط به نقطه مقابل این خصلت است، ساختند و پخش کردند.

*** شایعاتی که دشمنان ساختند و دوستان به آنها دامن زدند...**

یک بار خودشان برای من تعریف کردند: در حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) نشسته بودم، یک نفر از زو^{ار} با دیدن من شروع به پرس و جو درباره صحت این شایعات کرد، که من پاسخ دادم: «شایعه، تیری است که دشمن آماده می‌کند و به دست دوستان و مؤمنان می‌دهد و دوست مؤمن در جوار حرم رضوی به قلب انسان فرو می‌کند».

حاج آقای حسینی با این مثال تصریح کردند که: منشأ شایعه، دشمن است؛ اما عامل پخش و به هدف رساندن آن، دوستان هستند.

*** برخورد کریمانه**

به ایشان توصیه‌هایی می‌شد که از خود در برابر شایعات دفاع کنند، بویژه در این گونه مواقع خیلی از همراهان و همکاران قدیمی همچون صدا و سیما نیز مصلحت‌سنج می‌شوند و دیگر وارد در عرصه دفاع از شخصیتی که با کمک او یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌ها برای تلویزیون

تولید شد، نمی‌شوند.

مرحوم پدر می‌فرمود: «این شایعات که علیه من پخش شده است، چیزی جز اجر و ثواب برای من ندارد، اما برای شایعه‌گستران موجب سنگینی بار و وبال برای آخرتشان است».

آنچه ما از ایشان در واکنش به این شایعات شنیدیم محدود به ابراز تأثر برای آخرت کسانی بود که شایعات را ایجاد کرده و آن را نشر دادند و از خدا می‌خواست که از تقصیرات آنها بگذرد. ایشان به درگاه خدا عرضه می‌داشت: «خدایا! من از این افراد شکایتی ندارم و بلکه برایشان استغفار می‌کنم و خود، راه هدایت و صداقت را به آنان نشان بده».

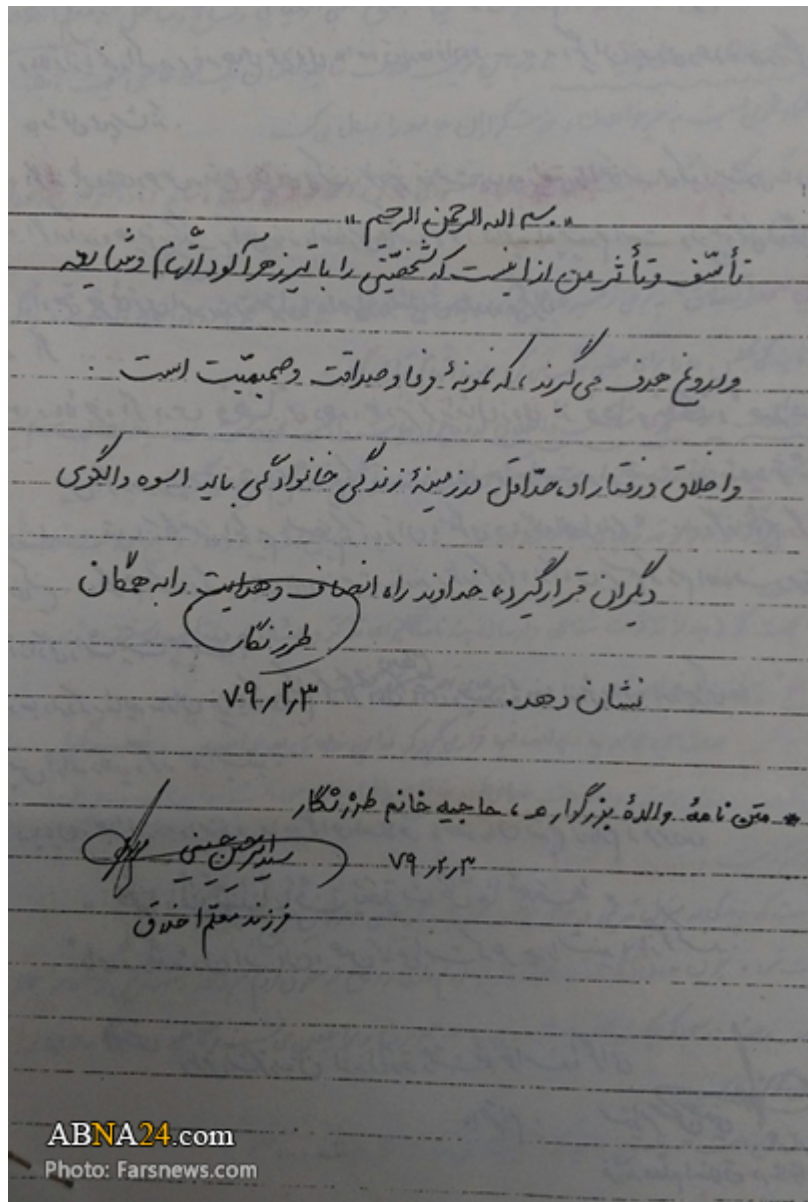
* خداوند از مؤمنان دفاع می‌کند

موضع بعدی حاج آقا در قبال درخواست‌ها جهت دفاع از خود در مقابل شایعات این بود که می‌گفت: «من یک بار در همان زمان که شهید آیت‌الله بهشتی مورد اتهامات واقع شده بود به ایشان گفتم که از خود دفاع کند، که شهید بهشتی در پاسخ به من این آیه قرآن را قرائت کرد: انّ اللّٰه یُدّافِعُ عَنِ الذّٰلِمِیْنَ اَمِنًا». یعنی منظورش این بود که ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و آنکه از ما دفاع می‌کند خداست.

ایشان معتقد بود کسی که مورد اتهام واقع شده است، خود نباید رأساً به دفاع از خود بپردازد، زیرا به علت تخریب صورت‌گرفته حرفش در آن مقطع مقبول نمی‌افتد، بلکه این دیگران هستند که باید وارد میدان شوند. از این رو هیچ درخواستی از صداوسیما برای فرصت یافتن جهت دفاع از خود مطرح نکرد.

زمانی که ایشان در قید حیات بود از ما نخواست که این شایعات را پیگیری کنیم و عاملان آن را پیدا کنیم و حتی یک کلمه در این باره با ما صحبت نکرد.

اما منطقاً آن نهادی که بیش از همه از وجود آقا بهره گرفته بوده است و برنامه‌های خود را با حضور ایشان پرمخاطب کرده است، یعنی صدا و سیما، می‌توانست نقشی را در این باره به عهده بگیرد.



دست نوشته حاجیه خانم «طرزنگار» همسر مرحوم حجت الاسلام سید علی اکبر موسوی حسینی در واکنش به چاپ شایعه در یکی از نشریات درباره استاد اخلاق در خانواده

* ساده زیستی و دوری از تجملات

حاج آقا بشدت سفارش دوری از تجملات به ما داشت. من در اوایل جوانی یک ماشین "جیب توسن" خریده بودم که آن زمان در ردیف "ژیان" جزء ارزان ترین خودروها بود. حاج آقا هم یک "پیکان" داشتند.

من با اینکه ازدواج کرده بودم، به همراه خانواده پدری در یک خانه

زندگی می‌کردیم. ایشان بعد از مدتی به من گفتند: «یا شما ماشین‌تان را بفروشید یا من! چرا که ما اکنون یک خانواده محسوب می‌شویم و بیش از یک ماشین نیاز نداریم».

با توصیه حاج آقا من ماشین جیب خودم را به یکی از همسایگان فروختم.

* دوری از زهدفروشی

مرحوم پدر اهل تجملات و مسائل دنیوی نبودند، البته اهل تظاهر و زهدنمایی هم نبودند. یکی از فرش‌های اتاق پذیرایی ما نخ‌نما شد، ایشان به ما گفت مبادا کسی تصور کند ما فرش نخ‌نما را در اتاق پذیرایی و جلوی چشم دیگران انداخته‌ایم و در اتاق اندرونی فرش نو داریم، این فرشی که جلوی چشم مردم است یا باید بهتر از فرش اندرونی باشد یا در همان حد.

* گریزان از تمجید

ایشان از تعریف و تمجید بسیار گریزان بود. یکبار به یکی از دوستان گفتم که برای ایشان تعریف و یا سرزنش شنیدن مساوی است، اما بعداً فهمیدم که درست نگفتم چرا که تمجید شنیدن برایش بسیار ناگوارتر از سرزنش شدن بود و در برابر آن، یا برخورد تند می‌کرد، یا سکوت پیشه می‌کرد و یا اگر ممکن بود از آن جلسه بیرون می‌رفت و گاهی هم به ما گوشزد می‌کرد که این تعریف و تمجیدها را درباره من باور نکنید.

* تلاش برای انجام تکلیف

نکته‌ای که در رفتار و اخلاق و مسیر زندگی ایشان رکن و ملاک بود، این است که "آنچه حس می‌کرد تکلیف است و باید انجام دهد، برایش مهمترین کار دنیا بود"؛ چه نمایندگی تهران باشد و چه امامت جماعت در یکی از مساجد تهران و یا معلمی در آموزش و پرورش.

از هیچ هشدار و انداز و سرزنش و تخریبی هم در قبال وظیفه‌ای که بر دوش خود حس می‌کرد، نگرانی نداشت.

* تواضع

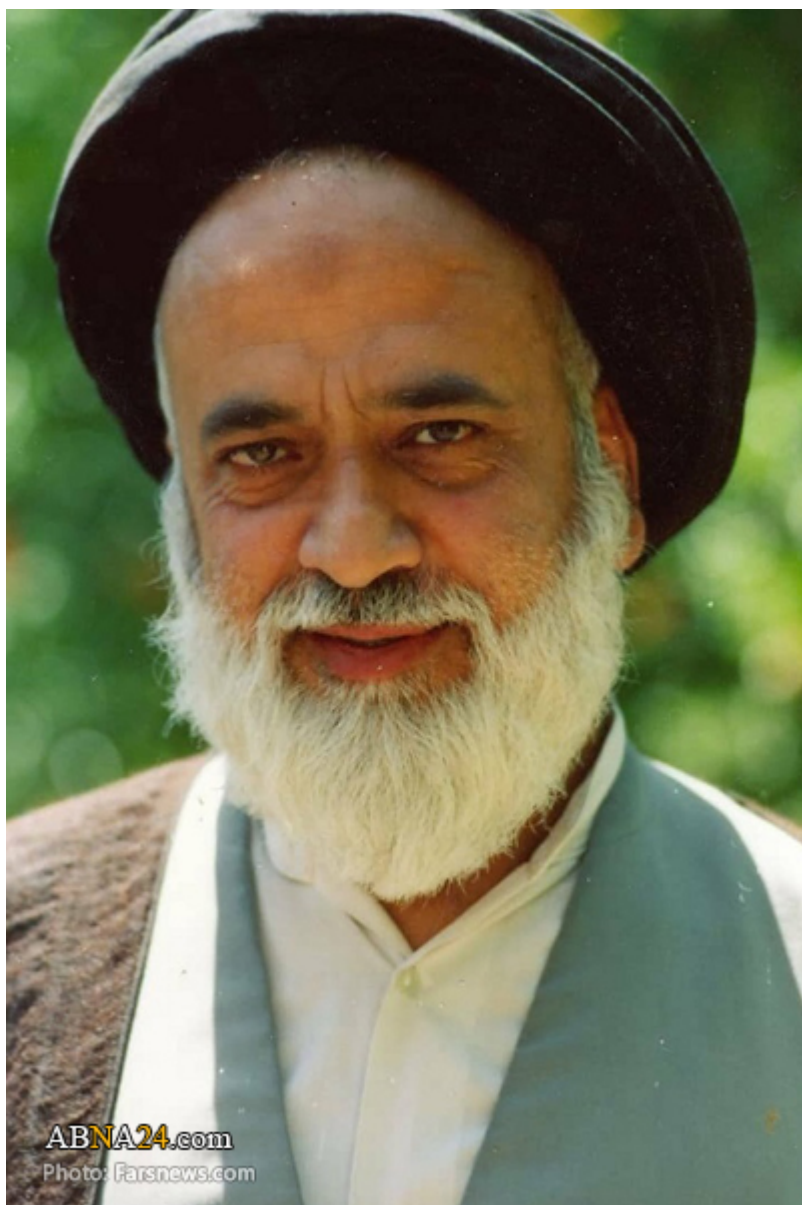
در برخی سفرها افراد می‌خواستند با اصرار دست حاج آقا را ببوسند که حاج آقا بعداً برای اینکه برای ما توهمی پیش نیاید و غرور

گریبان ما را نگیرد می‌گفت: «این بنده خدا با من سیدعلی‌اکبر کاری نداشت، بلکه به لباس روحانیت ما احترام گذاشت».

* وصیت در راه فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی

مرحوم حاج آقای موسوی حسینی درباره محل دفن خود وصیت کردند که هر جا که میسر باشد دفن شوند.

همچنین خواسته بودند که از ثلث اموالشان قدری رد مظالم به طلاب تنگدست داده شود و باقی آن نیز به فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی مسجد فائق اختصاص یابد و بسیار بر فعالیت مسجد در جهت تربیت نوجوانان دختر و پسر تأکید داشتند.



* فراهایی از وصیت نامه

حاج آقا موسوی حسینی در وصیت‌نامه^۱ اش هم نخواست که از شخص خود دفاع یا از کسی گلایه‌ای کرده باشد.

ایشان پس از این همه سال خدمت به ترویج دین و اخلاق در وصیت‌نامه خود نوشت: «خدایا امید من به فضل و لطف توست و کرم و رحمت آرزوی من است، عملم تکیه‌گام نیست و هیچ طاعتی ندارم که به خاطر آن لیاقت بهشت رضوان بیابم و فقط این است که به توحید و یگانگیات ایمان دارم و به شفاعت پیامبر و ائمه طاهرینش بسی امیدوارم. خدایا تو گرامی‌ترین گرامیان و مهربان‌ترین مهربانان هستی. خدایا در هنگام مرگ یاریام فرما و اعتقاداتم را از شر شیطان نگه دار».

حاج آقا در ادامه وصیت خود تصریح داشته است: «سفارش می‌نمایم به تقوا و آخرت‌خواهی و پرهیز از تجملات دنیوی و به نماز به ویژه نماز اول وقت و تلاوت قرآن مخصوصاً پس از نماز صبح».

* پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در سوگ استاد اخلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم پرهیزگار و معلم اخلاق جناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید علی‌اکبر حسینی موسوی رحمه الله علیه را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و دیگر بازماندگان و نیز به شاگردان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

خدمات ارزنده‌ی این روحانی با اخلاص و پر تلاش چه در آموزشهای سودمند در رسانه‌ی ملی و چه در مجلس شورای اسلامی و چه در محیط مسجد و محراب، معرفت‌چهره‌ی نورانی یک عالم خدمتگزار و با ابتکار است.

از خداوند متعال علو^۲ درجات آن مرحوم و رحمت و مغفرت الهی برای ایشان و صبر و اجر برای بازماندگانشان مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۲/تیر/۱۳۹۷

* [اینجا](#)